

شور و شوق انتخاباتی در جبهه‌ها

گفت و گوبا «حمید داودآبادی» که تصاویرش از حال و هوای چهارمین انتخابات ریاست جمهوری در جبهه‌ها که سال ۶۴ بر گزار شد، هنوز هم پربازدید می‌شود؛ به همراه روایت‌هایی خواندنی از پشت پرده آن عکس‌ها



مجدید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

تایستان سال ۱۳۶۴ بود که باید چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بر گزار می شد تا یکی از نامزدها برای مردم به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود. در آن سال‌ها، کشور درگیر حمله ناچوانمر دانه دشمن به سرزمین‌مان بود و افراد زیادی در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت کرده بودند تا اجازه ندهند حتی یک وجب از خاک وطن‌مان به یغمارود. در همان شرایط حساس و سخت، شرکت در انتخابات و انداختن رای در صندوق تارزمنده‌ها هم در کنار بقیه مردم به سهم خودشان در سرنوشت کشور سهیم باشند، اتفاقی بوده که تصاویر جالبی از آن‌ها ثبت و در دل تاریخ ماندگار شده است. «حمید داودآبادی» تصاویری از شرکت رزمنده‌ها در آن دوره از انتخابات با دوربینش شکار کرده که با گذشت این همه سال و در دوره مختلف برگزاری این همه‌پرسی در کشور، از آن‌ها یاد شده، مورد توجه قرار می‌گیرند و در شبکه‌های اجتماعی پربازدید می‌شوند. در پرونده امروز زندگی‌سلام و در آستانه چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری به سراغ اوراق قدیم تا زنگات پشت پرده این عکس‌ها، حال و هوای رزمنده‌ها برای شرکت در انتخابات در آن زمان و شرایط متفاوت‌شان، سرنوشت افراد حاضر در این عکس‌ها و ... برای ما بگوید. با ما همراه باشید.

۱۲ تا عکس از انتخابات در جبهه داریم

«حمید داودآبادی» در سال ۱۳۶۰ به منطقه سومار کرمانشاه اعزام شده و تا پایان جنگ تحمیلی در عملیات‌هایی چون بیت المقدس، رمضان، والفجر ۸، کربلا ۱، کربلا ۵، کربلا ۸ و ... حضور داشت. او با حضور ۵ ماهه‌اش در دوران جنگ تحمیلی بارها مجروح شده و ۱۴ تیر و ترکش بر بدنش اصابت کرده است. او در زمان دفاع مقدس و بعد از آن، عکاسی و نوشتن خاطرات آن دوران را پیشه خود ساخت. از او درباره عکس‌هایش از برگزاری انتخابات در جبهه می‌پرسیم که می‌گوید: «حدود ۱۰ تا ۱۲ عکس است که مربوط به برگزاری چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در تابستان سال ۱۳۶۴ بود. ما گردان شهادت لشکر حضرت رسول (ص) بودیم. در اردوگاه کرمانشاه مستقر بودیم. آن زمان در بحبوحه انتخابات بود و تب انتخاب رئیس جمهور خیلی داغ بود اما ما یک مشکل بزرگ داشتیم».



مشکل ما

همراه داشتن شناسنامه بود

از او درباره این مشکل بزرگ می‌پرسیم که می‌گوید: «همه ما یک مشکل بزرگ داشتیم که شناسنامه‌های مان همراه مان نبود. یادم هست که همه رزمنده‌ها عز اگر فته بودند که ما چطور رای بدهیم، وقتی شناسنامه‌های مان نیست؟ از آن طرف هم، همه می‌دانستیم باید هم رای بدهیم و این وظیفه ماست تا در سرنوشت و آینده کشور مان تاثیرگذار باشیم، بنابراین چندین جلسه با فرماندهان گردان صحبت کردیم و این دغدغه را با آن‌ها در میان گذاشتیم. آن‌ها هم هر بار می‌گفتند که ما هم صحبت کردیم و قرار شده است که تدبیری



برای حل این مشکل اندیشیده شود اما ما همچنان نگران بودیم و مطمئن نبودیم که بتوانیم در انتخابات شرکت کنیم. البته بعضی‌های مان درخواست مخصی هم دادیم که برویم شهر مان و شناسنامه‌های مان را برداریم و سریع برگردیم اما شرایط منطقه جوری بود که موافقت نمی‌کردند».

۲ روز مانده به انتخابات ناامید شدیم!

نگرانی رزمنده‌ها برای این که حتما بتوانند پای صندوق‌های رای حاضر شوند، به چه سرانجامی رسیده است؟ «داودآبادی» در پاسخ به این سوال می‌گوید: «زمان زیادی تا برگزاری انتخابات باقی نمانده بود و فقط به ما اعلام می‌شد که پیگیر هستند اما جواب قطعی و روشن نمی‌دادند. فکر کنم ۲ روز یعنی ۴۸ ساعت مانده بود به شروع انتخابات که بعضی‌های مان ناامید شدیم و واقعا ترسیدیم که دیگر امکان شرکت در انتخابات برای مان فراهم نشود. دیگر هیچ راهی هم به ذهن مان نمی‌رسید که آن را دنبال کنیم تا روز نه‌ای برای روشن شدن چراغ امیدمان به مشارکت در انتخابات روشن شود».

شب قبل از انتخابات مجوز صادر شد

«همان‌طور که گفتم تقریبا همه ما ناامید شده بودیم از این که بتوانیم در این دوره از همه‌پرسی شرکت کنیم تا این که شب قبل از انتخابات اعلام کردند که رزمنده‌ها با کارت‌های جبهه که مشخصات و شماره پلاک بر روی آن حک شده بود، یعنی هویت ما بود، می‌توانند رای بدهند».

او با این مقدمه می‌افزاید: «وقتی این خبر را شنیدیم، بعد از آن همه چشم‌انتظاری، بیشتر شو که بودیم تا خوشحال. آن شب، همه به هم تریک گفتند و برای مان جالب بود با کاردی که همه هویت ما در جبهه‌ها بود که اگر شهید بشویم با این کارت شناخته می‌شویم، با همان کارت می‌توانستیم رای بدهیم و در سرنوشت کشور مان نقش خودمان را ایفا کنیم. یعنی مهر انتخابات را قرار شد بر روی آن کارت بزنند. دیگر همه منتظر فردا صبح و شرکت در انتخابات بودیم».



سخت‌گیری‌ها و دقت بالا برای سلامت انتخابات حتی در جبهه

بر سپیدم، خودش را «سیدمهدی تهرانی‌نژاد» معرفی کرد که اتفاقا چند ماه بعد در عملیات والفجر هشت شهید شد. من همان جا با او رفیق شدم و او در این عکس‌ها هم هست. جبهه برای شرکت در انتخابات و نوشتن نام نامزدشان روی برگه‌ها، شور و حال و صف‌نشینی داشتند و همه خیلی خوشحال بودند که امکان شرکت در انتخابات فراهم شده است. اگر در عکس‌ها هم دقت کنید، خنده رزمنده‌های صندوق رای بیش از هر چیزی توجه‌تان را به خودش جلب خواهد کرد».



هر شب در سنگرها در باره نامزدها صحبت می‌کردیم

به مشارکت داشتند. یادم هست روز‌هایی که بچه‌ها می‌گفتند احتمالا نمی‌توانیم در انتخابات شرکت کنیم چون شناسنامه نداریم، حال همه ما گرفته شده بود و روز‌های سختی بود. شاید بتوانم بگویم شبیه یک نوع شکنجه بود. آن موقع یکی از رزمنده‌ها می‌گفت که برادرها، زمان انتخابات ریاست جمهوری در حال فرا رسیدن است و ما چطور می‌توانیم ساکت بنشینیم و رای ندهیم؟ اگر این اتفاق می‌افتاد و از رای دادن محروم می‌شدیم، ما احساس می‌کردیم که ایرانی نیستیم، شهروند کشور مان نیستیم که اجازه نداریم در سرنوشت آن به اندازه یک رای مشارکت داشته باشیم، یعنی یک فاصله بین رای دادن یا رای ندادن، حس جدا شدن یا همراه مردم بودن در آن زمان در ما ایجاد می‌کرد. ترسی بود برای ما، باز یادم هست ما همان زمان می‌گفتیم الان اگر یک نفر فردا به ما گفت که به چه نامزدی رای دادی، چطور بگوییم که نه، رای ندادیم! نمی‌شود که! می‌گوید مگر ایرانی نبود؟ چطور این قدر بی‌خیال بودی؟ حتی به پاسخ این سوالات هم فکر کرده بودم که بگوییم جنگ بود، شناسنامه مان همراه مان نبود، اجازه ندادند و ...»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

پنج شنبه ۷ تیر ۱۴۰۳

۲۰ ذی الحجه ۱۴۴۵ ۲۷ زوئن ۲۰۲۴

شماره ۲۱۵۲۳

۲۷۴۲

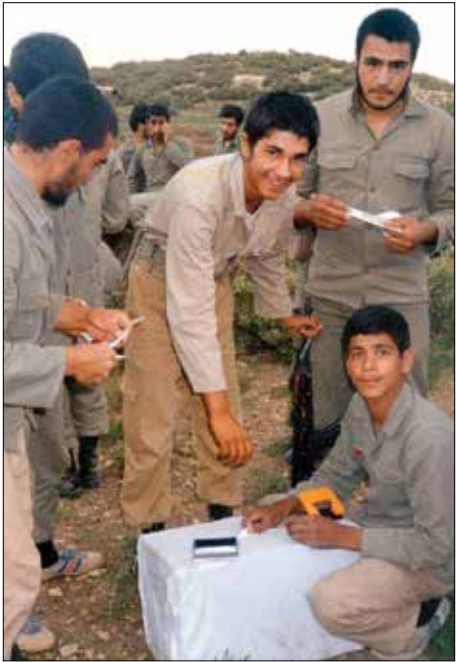
توقع مان این بود که رئیس‌جمهور مثل مردم زندگی کند

از درخواست‌ها و توقعات رزمنده‌ها از رئیس‌جمهور در آن زمان می‌پرسم. این که در صحبت‌های شان با هم، چه مسائلی برای شان مهم‌تر بوده تا رئیس‌جمهور مورد توجه قرار دهد. «داودآبادی» در این باره می‌گوید: «توقع اصلی بچه‌ها این بود که رئیس‌جمهور از دل مردم باشد، مثل مردم زندگی کند و خواسته‌های مردم را پیگیری و اجرا کند. همچنین رئیس‌جمهور که با توجه به قول‌هایش و برای مردم مشخص می‌شود باید به وعده‌هایی که به مردم می‌دهد، عمل کند. همچنین او باید بداند که بعد از برگزاری انتخابات، رئیس‌جمهور همه مردم ایران است و فقط نباید به مطالبات یکسری افراد هم دسته و هم حزبی توجه داشته باشد. آن زمان یادم هست که ما همه انتظار داشتیم که همه مردم ایران را راضی کند، حتی آن‌هایی که به او رای نمی‌دهند. برای ما مهم بود که رئیس‌جمهور ملت ایران بداند باید برای همه تلاش کند تا مشکلات را رفع کند».

می‌گفتند رای دادن هم نوعی فداکاری

در راه وطن است

از او درباره خنده‌های دلنشین رزمنده‌های پای صندوق‌های رای در این تصاویر پربازدید می‌پرسیم که می‌گوید: «آن جا وقتی همه احساس تکلیف کرده بودند که بروند و جان‌شان را در راه وطن شان تقدیم کنند. می‌گفتند که رای دادن هم بخشی از این فداکاری در راه خاک سرزمین مان است که باید محقق شود. وظیفه‌ای



بود که احساس کرده بودیم و باید انجام می‌دادیم، بنابراین خوشحال بودیم. کلا هم حرکت نویسی بود. ما داشتیم به وظیفه دفاع از وطن عمل می‌کردیم، حالا یک وظیفه دیگر به وسط ماجرا آمده بود، بنابراین همه می‌خندیدند و می‌گفتند ما داریم در یک پیشرفت دیگر کشور هم سهیم می‌شویم».

مردم در باره داستان پشت صحنه این

عکس‌ها چیزی نمی‌دانند

از او درباره واکنش‌هایی که از سمت مردم در باره این عکس‌ها دریافت کرده، می‌پرسیم که می‌گوید: «از آن دوره‌ها و باز به خصوص از برگزاری انتخابات در جبهه و حضور رزمنده‌های پای صندوق رای عکس آن چنانی نیست، بنابراین این عکس‌ها، توجه مردم را جلب می‌کند و چون سادگی عکس‌ها را می‌بینند، خیلی به دل‌شان می‌نشیند. البته مردم در باره خاطرات پشت صحنه این عکس‌ها که امروز آن‌ها را برای شما تعریف کردم، اطلاعاتی ندارند. باز هم خیلی استقبال می‌کنند و معمولا هر دوره انتخاباتی در شبکه‌های اجتماعی پربازدید می‌شود. این را هم باید اشاره کنم که آن رای دادن برای من با کل رای دادن‌های دیگرم فرق داشت. چون تنها باری بود که در جبهه رای دادم. دفعات بعد در تهران بودم و آن اتفاق یکی از خاطرات فراموش‌نشده‌ای بود که حتی در دل جنگ هم، آدم بتواند تکلیفی را که بر عهده‌اش است، ادا کند. این عکس‌ها برای خودم هم خیلی



خاطره‌انگیز است، چون شهید سیدمهدی تهرانی‌نژاد در آن‌هاست، شهید یوسف محمدی، شهید علی مصطفی‌زاده و ... و چند نفر دیگر از حاضران همین عکس‌ها تقریبا تایک سال بعد در عملیات‌های مختلف از گردان شهادت شهید شدند».